



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در شروط صحت وقف بود و گفتیم که چهار شرط برای وقف ذکر شده؛ اول دوام و ابدیت، دوم تنجیز و عدم تعلیق، سوم قبض و اقباض و چهارم اخراجہ عن نفسه.

در اینجا بحثهای مختلفی بوجود آمد و مبانی نیز در اینجا متفاوت است، یکی از مباحث این است که آیا اصطلاح وقف منحصر به همین است که ابدیت داشته باشد یا اگر چیزی ابدیت نداشت نیز وقف محسوب می شود؟ کلمه وقف در روایات ما عام است یک نوع از وقف همینطور است که عرض شد (با شرط دوام و ابدیت) اما اگر نوع دیگری وقف و قصد کرد که ابدیت در آن نبود نیز صحیح است زیرا "العقود تابعة للقصود" مثلاً در وسائل خواهیم خواند که حضرت باقر علیه السلام مالی را وقف کردند که بعد از شهادتشان مردم هفت سال در مراسم حج برای ایشان عزاداری کنند و مصائب حضرت را یادآوری کنند، خب این هم نوعی وقف است که ابدیت در آن نیست و از این وقف ها در روایات زیاد ذکر شده است فلذا این مطلب به عنوان فرعی (إذا وقف و شرط عوده إليه عند حاجته) در بحث وقف مطرح شده است البته در این فرع اختلاف مبنی وجود دارد و هر کسی طبق مبنای خودش بحث کرده، برخی مثل آیت الله خوئی فرموده اند در وقف تأیید و دوام معتبر است و وقف باید خالی از هر قید و شرطی که ابدیت را به هم می زند باشد لذا اگر کسی وقف کند و شرط کند که در صورت احتیاج

به خودم برگردد چنین وقفی باطل است ولی امام رضوان الله علیه طبق مبنای خودشان که ابدیت را به طور مطلق و در تمام وقف ها معتبر نمی داند فرموده چنین وقفی صحیح می باشد، بنابراین دو مبنی در اینجا وجود دارد؛ اول اینکه در وقف تأیید و دوام معتبر است و بدون این شرط وقف باطل است والقابل به السید الخوئی، مبنای دیگر این است که وقف فقط منحصر در این نیست که دوام و ابدیت داشته باشد بلکه این خودش یک نوعی از انواع وقف می باشد والقابل به الامام الخمینی رضوان الله علیه، مثلاً اگر کسی بگوید زمین یا باغ خود را وقف می کنم تا زمانی که خودم احتیاج ندارم و در صورت احتیاج به خودم برگردد، خب طبق مبنای اول (اعتبار تأیید) چنین وقفی باطل است و از دو جهت اشکال دارد؛ اولاً ابدیت پیدا نمی کند و ثانیاً اخراجہ عن نفسه نیست و به خودش بر می گردد، اما طبق مبنای دوم (وقف منحصر در دوام و ابدیت نیست) وقف مذکور صحیح است و وقف عام است و این قسم نیز خودش نوعی از انواع وقف می باشد، چند دلیل در اینجا برای صحت ذکر شده است؛ اول عمومات وقف که دلالت بر ثواب وقف دارند و تشویق بر وقف کرده اند، دوم "المومنون عند شروطهم" زیرا در وقف مذکور شرط شده که در صورت احتیاج وقف به خودش برگردد، سوم بالاخره عرفاً این خودش نوعی عقد محسوب می شود لذا مشمول "أوفوا بالعقود" می شود و اقتضاء می کند که صحیح باشد، چهارم "الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها" جمع محلی به الف و لام افاده عموم می کند یعنی تمام وقف ها تابع نیت واقف هستند و اما روایات دیگری نیز داریم که بعداً خواهیم خواند، خلاصه بحث ما در این است که بر اساس

مبانی در اینجا اقوالی بوجود آمده است؛ قول اول اینکه باطل است والقائل به السيد الخوئی، قول دوم اینکه صحیح است والقائل به الامام الخمينی رضوان الله عليه، قول سوم اینکه صحیح است ولی وقف نیست بلکه به حبس (عمری و رقبی و سکنی) بر می گردد.

خب و اما روایاتی که در این رابطه داریم در جلد ۱۳ وسائل ۲۰ جلدی ذکر شده اند، خبر اولی که می خوانیم این خبر است: ﴿وإِسْنَادُهُ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ وَالْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، وَإِسْنَادُهُ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ جَمِيعًا، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَنْ الرَّجُلِ يَتَصَدَّقُ بِبَعْضِ مَالِهِ فِي حَيَاتِهِ فِي كُلِّ وَجْهٍ مِنْ وَجْهِهِ الْخَيْرِ، قَالَ: إِنْ احتَجْتَ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْمَالِ فَأَنَا أَحَقُّ بِهِ، تَرَى ذَلِكَ لَهُ وَقَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ يَكُونُ لَهُ فِي حَيَاتِهِ، فَإِذَا هَلَكَ الرَّجُلُ يَرْجِعُ مِيرَاثًا أَوْ يَمْضِي صَدَقَةً؟ قَالَ: يَرْجِعُ مِيرَاثًا عَلَى أَهْلِهِ<sup>۱</sup>.

خبر خوب است و مورد عمل فقهاء می باشد و اگر ضعفی داشته باشد همین عمل فقهاء جابر ضعفش خواهد بود.

هر دو دسته (قائلین به صحت و بطلان) به این خبر استدلال کرده اند، از این جهت که اگر "یرجع میراثا علی اهلہ" را مطلق بگیریم معلوم می شود وقف باطل بوده که به خودش برگشته و بعد به ورثه اش رسیده والقائل به السيد الخوئی، اما اگر "یرجع میراثا علی اهلہ" را اینطور تفسیر کنیم که وقتی محتاج شد برگشته در اینصورت وقف صحیح بوده یعنی وقف شده و چند سال هم به عنوان وقف استفاده شده ولی وقتی محتاج

شده برگشته والقائل به الامام الخمينی رضون الله عليه و صاحب الجواهر والسيد الفقيه اليزدی.

بنابراین بحثمان در این است که آیا در وقف ابدیت معتبر است یا نه؟ و اگر بگوئیم ابدیت شرط است وقفی که در آن شرط شده در صورت نیاز به خودش برگردد باطل می باشد زیرا اولاً اخراجی عن نفسه نیست چون به خودش بر می گردد و ثانیاً دوام ندارد، حالا ما باید این مبانی و ادله را مطرح کنیم و بعد یکی را اختیار کنیم و طبق آن فتوی بدهیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۲۹۷، ابواب وقوف و صدقات، باب ۳، حدیث ۳، ط الإسلامیة.